

تألیف: هما هودفر

فصلنامه مطالعات راهبردی

ترجمه: سیدرضا شاکری

شماره ۵ و ۶ پاییز و زمستان ۱۳۷۸

## اهداف و برنامه‌ها:

### نقش زنان در سیاست‌های جمعیتی ایران<sup>۱</sup>

#### فهرست

۲۰۲	مقدمه
۲۰۲	الف - سیاست‌های جمعیتی پیش و پس از انقلاب
۲۰۵	ب - ایجاد وفاق ملی
۲۰۷	ج - شبکه تنظیم خانواده
۲۰۹	د - وضعیت زنان
۲۱۰	ه' - نشانه‌های تضاد
۲۱۲	و - فرصت‌های زنان
۲۱۵	یادداشت‌ها

#### چکیده

در این مقاله، مؤلف ضمن اشاره به ویژگی‌های اصلی سیاست‌های جمعیتی در ایران، به تفکیک دو دوره مختلف در امر سیاست‌گذاری از یکدیگر می‌پردازد. دوره اول زمانی را شامل می‌شود که دولت اسلامی در ایران مطابق درک سنتی از آموزه‌های دینی به ترویج و تأیید ازدیاد تعداد نفوس می‌پردازد.

۱- این مقاله ترجمه ای است از:

Homa Hoodfar, "Device and Desires: Population Policy and Gender Roles, in the Islamic Republic", in: Joel Benin and Joe Storke (Eds), Political Islam: Essay from Middle East Report, University of California Press (Published in Cooperation with Middle East Research and Information Project), ۱۹۹۷, pp. ۲۲۰-۲۳۳.

دومین دوره، در پی استوار شدن مبانی حکومت و رخ نمودن مشکلات زمامداری به منظور فراهم آوردن جامعه‌ای مطلوب برای شهروندان - جامعه‌ای که از حیث کار، ازدواج، مسایل اقتصادی و فرهنگی در وضعیت خوبی قرار داشته باشد - آغاز می‌شود. در این دوره است که دیدگاه اسلامی در زمینه سیاست جمعیتی به خوبی با شرایط و مقتضیات زمانی سازگار شده و شاهد تقریری نوین از سیاست جمعیتی اسلامی می‌باشیم که در آن امر کنترل موالید، پذیرفته شده و مورد تأیید است.

#### مقدمه

توسعه سیاستهای جمعیتی در جمهوری اسلامی ایران، زمینه مساعدی را برای آزمون دیگر باره این فرضیه بسیار شایع که اسلام نقطه مقابل مدرنیته بوده و به یقین با هرگونه فمینیسم ناهمساز است، فراهم می‌آورد. راهبردهای اخیر که جمهوری اسلامی به منظور ایجاد وفاقی جمعی در مورد ضرورت مهار زاد و ولد و تنظیم خانواده به کار بسته است، نشان‌دهنده سازگاری و انعطاف‌پذیری این دین با واقعیتهای سیاسی و اقتصادی است.

تصمیم‌گیری در مورد تنظیم خانواده، پیوندی نزدیک با جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه و امنیت و استقلال آنان در محدوده‌های زندگی زناشویی دارد. امتیاز زنان در خانواده‌های کوچکتر به شدت به توفیق برنامه جمعیتی ایران بستگی دارد، زیرا دولت ایران همانند اغلب دولتها، مسئولیت مهار زاد و ولد را از مردان به زنان محول کرده است. حضور فزاینده زنان در اجتماع و عرصه اقتصادی، به شدت به میزان کامیابی آنان در عرصه ازدواج، وابسته است، اما در عین حال مشکله‌های بنیادین در خصوص نقشهای زنان به ویژه عقیده خانه‌داری آنان، یعنی سنگ بنای جامعه اسلامی، از حمایت حکومت برخوردار گشته است. حال چگونه حکومت ایران، این دو دسته از اولویتهای متفاوت را با یکدیگر جمع کرده، خود موضوع قابل توجهی است که در این نوشتار به آن پرداخته شده است.

زنان ایران به سهم خود از جهت فردی و اجتماعی در تفسیر مردانه از نقش اسلامی زنان تردید کرده‌اند. زنان اسلام‌گرای فعال، از شکافهای ایدئولوژیک و بنیادین موجود در جهت طرح تفسیر زن‌محورانه از نقشهای خاص خود بهره‌برداری کرده‌اند.

آنان با تفسیرهایی تازه و نو، حکومت را در پرداختن به اصلاحات در عرصه ازدواج، طلاق و تحصیلات به منظور ایجاد بستر مناسب برای گسترش موقعیت اجتماعی و حقوقی زنان رهنمون شده‌اند.

### الف - سیاستهای جمعیتی پیش و پس از [ انقلاب اسلامی ]

ایران نخستین برنامه رسمی جمعیتی خود را در سال ۱۹۶۷ پی‌ریخت و در سال ۱۹۷۵ هدف بلندپروازانه خود را دایر بر کاهش سطح رشد جمعیت به یک درصد، طی یک دوره بیست ساله، اعلام داشت. رژیم پهلوی در سال ۱۹۷۳ سقط جنین را در مدت سه ماهه اول دوران بارداری، البته با اجازه شوهر، قانونی ساخت. سازمان ملی زنان نیز هم‌دوش سایر مراکز، دست به ترویج و پخش وسایل جلوگیری از بارداری زد؛ ابزارها و روشهایی از قبیل آی. یو. دی، بستن لوله‌ها و وازکتومی عرضه گردید، اما به خاطر وجود کمبودها، قرص جلوگیری، تنها گزینه در این زمینه بود.

اگر چه تلاش اندکی برای تعمیم و گسترش برنامه تنظیم خانواده به نقاط روستایی صورت گرفت، اما برآوردهای ملی نشان می‌دهد که ۱۱٪ از زنان در سن بچه‌دار شدن از برخی مواد ضدبارداری استفاده کرده بودند. (۱) علیرغم افزایش قابل ملاحظه درآمد سرانه، مرگ و میر کودکان در سطح بالایی قرار داشت که ناشی از توزیع ناعادلانه خدمات عمومی بود. اما دگرگونیهای زیادی در بهبود وضعیت زنان، هم در خانواده و هم در عرصه عمومی پدیدار شد که شامل تلاش برای ورود زنان به بازار کار می‌گردید. سن قانونی برای ازدواج در زنان به هجده سال افزایش یافت و در ۱۹۷۵ قانون ازدواج و طلاق، با هدف محدود کردن حق مردان در مورد طلاق و تعدد زوجات اصلاح گردید. (۲) قانونی که اگرچه عملی شدن آن دشوار می‌نمود، اما افزایش نمادین این حرکتها قابل توجه بوده و زنان و عامه مردم را متوجه به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان کرد.

با تأسیس حکومت اسلامی نظام تنظیم خانواده [ رژیم پهلوی ] نیز فروپاشید. حکومت جدید [ در ابتدا ] سیاست جمعیتی مدونی را در نظر نداشت. بسیاری از رهبران محافظه‌کار بر این که ابزارهای ضدبارداری ارمغان قدرتهای غربی بوده و هدفی جز به بند کشیدن ملتها و کاهش شمار مسلمانان ندارد، پای می‌فشردند. دولت رسماً ازدواج فراگیر و زود هنگام را رواج داده و فراتر از آن حداقل سن ازدواج را کاهش داد.

عمل به روشهای ضدبارداری به مثابه ابزارهای مدرن مشکل گردید، [این وسایل] کمتر وارد کشور گردید و خیلی زود نایاب شدند. آثار جانبی قرصهای ضدبارداری و آی. یو. دی بر سلامت زنان به موضوعی شایع در بحثها و به خصوص در محافل مذهبی زنان (سفره) که در آنها موضوعهایی نظیر ازدواج و خانواده به طور سنتی مطرح می شد، تبدیل گردید. (۳) نتیجه آن که میزان زاد و ولد در ایران بلافاصله پس از انقلاب افزایش یافت.

سرشماری ملی سال ۱۹۸۶ که جمعیت را فراتر از پنجاه میلیون نفر برآورد کرده بود، تأثیر تکان دهنده‌ای بر دولت مردان هشیار گذاشت. در این میان، میزان بالای تولد و گسترش جمعیت در کنار فشار اقتصادی و مهاجرت دسته جمعی از مناطق جنگ زده به تهران و سایر شهرهای بزرگ، تقاضاهای قابل ملاحظه‌ای را رویاروی دولت قرار داد. حکومت چنان که مدعی بود، از جهت مرام و قانون، خود را متعهد به تأمین نیازهای اساسی و فرصتهای برابر به منظور حرکت به سمت یک جامعه واقعا اسلامی می دانست. رهبری نیز واقف بود که سیاستگذارهای ایران [تنها] در شهرهای بزرگ اجرا شده‌اند؛ جایی که کمبودها و ناتوانی در رفع نیازهای اساسی می توانست پیامدهای شدیدی داشته باشد.

فشار بخشهای روشن بین تر رهبری سیاسی و مذهبی، خود را در یک اعلامیه رسمی صریح که استفاده از قرصها و سایر مواد ضدبارداری را که متناوبا باعث توقف ایجاد جنین می شد، حرام نمی دانست، جلوه گر ساخت. این اطلاعیه که در ابعاد نظری تعدیل یافته بود، راه احیای برنامه ریزی برای سیاستهای جمعیتی را در چندسال اخیر باز کرد. در سال ۱۹۸۸ معضل رشد انفجارآلود جمعیت و خطرات آن در مقیاس ملی و بین المللی، راه خود را از خلال سخنرانیهای سیاسی رهبران یافت. پس از آن که آیت الله خامنه‌ای در یکی از خطبه‌های نماز جمعه، نیاز به برنامه تنظیم خانواده را به بحث نهاد، دولت، سیاست ملی مهار جمعیت را که آیت الله خمینی پیش از فوت خود در سال ۱۹۸۹ تصویب کرده بود به مرحله اجرا درآورد. در پی آن هیأتی برای تنظیم برنامه خانواده زیر نظر وزارت بهداشت و درمان کار خود را آغاز کرد.

سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی [ایران] با برنامه‌های پیش از انقلاب، از جنبه‌های بسیاری، متفاوت بود. جمهوری اسلامی، توفیقات شایان توجهی در قانع کردن مردم به پذیرش و عمل به برنامه تنظیم خانواده از طریق ایجاد یک وفاق سامان مند قوی و به وسیله تأسیس یک شبکه مؤثر در جهت تهیه ابزارهای ممکن و در حد توان خود، به دست آورد.

## ب - ایجاد وفاق ملی

بزرگترین نوآوری در برنامه تنظیم خانواده جمهوری اسلامی، راهی بوده است که دولت طی آن برای افزایش دانش عمومی و شناخت مشکلات جمعیتی، به جای منحصر کردن تمرکز بر رواج وسایل ضدبارداری، تلاش کرده است. رهبران سیاسی و مذهبی بی‌درنگ اهمیت برنامه تنظیم خانواده را در نطق‌های نماز جمعه - که در آن خط مشی‌های سیاسی و ایدئولوژیک حکومت طرح می‌گردد - متذکر گردیدند و در این زمینه پژوهش‌هایی به عمل آمد که نتیجه آن به صورت مکتوب منتشر گردید. در این باره، چند نکته بود که توجه به آنها مهم می‌نمود. نخست تبیین ابعاد جهانی موضوع بود.

نمونه‌های عینی در این خصوص، چین، هند، فیلیپین، پاکستان و بنگلادش و سایر کشورهای در حال توسعه بودند. مسأله دیگر، بیان پیامدهای افزایش جمعیت از جهت هزینه تولید غذای داخلی، وابستگی، آموزش و خدمات بهداشتی در قالب یک زبان ساده و قابل فهم برای عامه بود. این که، کشورهای غربی با سطح رشد پایین، هرم جمعیتی بسیار فعال‌تری دارند که می‌توانند با آموزش و دادن خدمات بهداشتی به مردم، به بهبود سلطه خود بر سایر [کشورهای] دنیا ادامه دهند، مطلبی بود که باید مخاطبان ایرانی به آن می‌رسیدند. دانسته‌های ما در موارد بسیاری نشان می‌دهد که تنظیم خانواده هم‌ردیف سایر چیزهای حلالی بوده است که مسلمانان می‌توانسته‌اند انجام دهند. این ادعا که اسلام یکی از معدود مذاهب دنیا است که جلوگیری از باروری را اجازه داده است، می‌تواند گویای این باشد که این دین دینی، فرازمانی و ممتاز است. (۴)

موضوع مهم دیگر این بود که آیا تنظیم خانواده مسأله‌ای عمومی است یا صرفاً موضوعی فردی و خانوادگی. گفته‌های رسمی تأکید دارند که در جوامع اسلامی تصمیم‌های فردی همواره با عنایت زیادی به جنبه اجتماعی و عمومی آن گرفته می‌شود؛ در حالی که در دیگر جوامع بشری، به جنبه حقوق فردی آن توجه شده است. براساس این گفته‌ها، اگر ایرانیان در پی ساختن ملتی باسواد، هشیار و توانمند باشند، باید توازنی میان خواسته‌های فردی در حکم پدر و مادر و قابلیت‌ها و توانایی‌های جامعه ایجاد کنند. این بحث با نوعی تطبیق دقیق با کشورهای پیشرفته به ویژه ژاپن که نمونه‌ای آرمانی از فن‌آوری به شمار می‌رود، بیان شده‌اند.

گفت‌وگو رسمی، از نظریه تطابق تمام ابزارهای ضدبارداری با احکام اسلام، دفاع کرده و پیشینه‌های این دیدگاه را به فتاوی‌های مختلف سنی و شیعه ارجاع می‌دهد.

[ در این بین ] بعضی از روش‌ها از این جهت که منجر به نازایی می‌گردند، بدل به موضوعی جدال‌برانگیز شده‌اند. در هر حال برخی از علما معتقدند که اگر برگشت این توانایی امکان‌پذیر باشد، در این صورت هیچ معنی از نظر اسلام وجود نخواهد داشت. دیگران اعتقاد دارند که [ این جا دو موضوع مطرح است ]؛ شخصی که قبلاً دارای فرزند بوده نمی‌تواند خود را عقیم کند، اما آنها که [ فرزندی ] ندارند می‌توانند این روشها را برگزینند.

موضوع مناقشه‌برانگیز و مشکل‌ساز، سقط جنین است، چرا که اگر عدم بارداری برای سلامت مادر از جهت روانی و جسمی زیان‌آور تلقی گردد، همچنان غیرقانونی است. آیت‌الله بهشتی از رهبران [ پیش‌کسوت ] انقلاب، یک رهیافت مذهبی را که در آزادسازی سقط جنین نقش داشت، به سال ۱۹۷۳ مطرح کرده بود. امروزه اگر سقط جنین غیرقانونی در طول مدت صد و بیست روز اول عمر جنین (چهارماهگی) یعنی، پیش از دمیده شدن روح<sup>۱</sup> در جنین صورت گیرد، عامل این کار به پرداخت دیه به والدین جنین سقط شده محکوم می‌گردد. پس از دمیده شدن روح نیز، سقط جنین عملی همسنگ جنایت تلقی شده و مجازاتی سنگین‌تر از پرداخت دیه دارد.

طرح بعدی، توجه بر آثار منفی زایمانهای پیاپی بر تندرستی مادران و کودکان بود. زایمانهای بدون فاصله [مناسب] بدین معنا است که بچه‌های قبلی توجه و مراقبت لازم را [ از والدین ] کسب نمی‌کنند. گذشته از این، آیا مادری که نتواند شکفتگی شادی را در چهره کودکانش ببیند، مادر بودن [ او ] معنایی دارد؟

[ برخی از ] رهبران مذهبی با روشن شدن واقعیات پزشکی، قبول کرده‌اند که مادران باید در سنین بیست تا سی و پنج سالگی بچه‌دار شوند.

دولت در جهت ایجاد وفاقی در مورد تنظیم خانواده در سطح ملی تلاشی فراوان از خود نشان داده و همایشهای ملی و بین‌المللی متعددی در تهران برگزار کرده است. افزون بر اینها طرحهایی فراگیر که شامل جمعیت و تاریخ تنظیم خانواده در اسلام می‌باشد، در قالب برنامه‌های آموزشی برای تمام سطوح [مردم] تهیه دیده است که حاوی اطلاعاتی در مورد تنظیم خانواده در کلاسهای آموزش بزرگسالان است که بیشتر در مساجد بر پای می‌گردد. اگرچه همه این اهداف تحقق نیافته است، اما نفس وجود آنها دلیل پیچیدگی و فراگیری آنها است.

## 1. Ensoulment

موضوعات تنظیم خانواده برای دختران، در سالهای آخر دبیرستان گنجانده شده است؛ از این نوع برنامه‌ها حتی برای مردان و زنان کارگر در مراکز بزرگ صنعتی وجود دارد. [ در ایران نیز] به پیروی از الگوهای چین و اندونزی مکانهای بزرگی از قبیل درمانگاههایی که وسایل ضدبارداری را عرضه می‌دارند، وجود دارد. اطلاعات و مسائل مربوط به جمعیت و روشهای مهار موالید در مناطق روستایی و اجتماعات کوچکتر، در خانه‌های بهداشت یا مساجد محلی به دلیل نبود درمانگاه (یا محدودیت جا) عرضه می‌گردد.

برنامه دولت درباره تنظیم خانواده نشان‌دهنده شناخت آنها نسبت به پیچیدگی شبکه متغیرهای مؤثر بر سطوح باروری است. جمهوری اسلامی به جای کوشش برای جلوگیری از انتقادات و ایراداتی که مستقیماً برنامه تنظیم خانواده را در دوران قبل از انقلاب هدف قرار می‌داد، بیشترین توجه را به معرفی تنظیم خانواده به مثابه [برنامه] جلوگیری از زایمانهای ناخواسته با هدف گسترش سلامت روانی و جسمی خانواده در اجتماع معطوف داشته است. [در این باره] اسناد زیادی در وزارت بهداشت و درمان دال بر بهبود وضعیت زنان در خانواده و جامعه که حکم سنگ‌بنای توفیق برنامه تنظیم خانواده است، وجود دارد. در بزرگترین آمارگیری استان تهران، ۹۶/۷ درصد زنان پرسش‌شونده، موافقت خود را با تنظیم خانواده اعلام کرده‌اند.

### ج - شبکه تنظیم خانواده

طرح تنظیم خانواده از سال ۱۹۸۹ و تدوین نخستین سیاست‌گذاریهای جمعیتی جمهوری اسلامی ایران، خود را بسیار فراتر از ظرفیت قبل از انقلاب در خصوص خدمات عمومی و علمی نشان داده است. جدای از بیمارستانها و درمانگاههای عمده شهری، در مناطق روستایی، خانه‌های بهداشتی وجود دارند که در آن پرستاران حرفه‌ای خدمات تنظیم خانواده و اطلاعات را عرضه می‌کنند. (هنوز تعداد این مراکز با اهداف موردنظر حکومت فاصله دارد)؛ تعداد ۱۶۶۵۴ مرکز بهداشتی ۶۳ درصد از نیازها را برآورده می‌کنند و حدود ۲۱ درصد از مراکز روستایی هنوز خدماتی عرضه نمی‌کنند. (۵)

در شهرهای بزرگ یک بخش خصوصی و فعال، تلاشهای دولت را که مستقیماً به شهروندان کم‌درآمد اختصاص دارد، تکمیل می‌کند. مقادیری از داروها و ابزارهای ضدبارداری تزریقی وارد کشور شده و به صورت رایگان یا با یارانه‌های بالا، توزیع می‌گردند. روش‌های جلوگیری از بارداری در بسیاری از بیمارستانها به سادگی عرضه می‌گردد و پژوهشهای بیشتری با هدف معرفی انواع روشهای ضدبارداری با آثار جانبی کمتر در دستور کار قرار دارد.

با وجود تلاش زیاد در بخش اطلاعات، استفاده کافی و اطمینان بخش از وسایل ضدبارداری هنوز به حد نهایی خود نرسیده است. تحقیقی با پوشش یکهزار نفر زن خانه دار در مناطق شهری و روستایی استان تهران - جایی که عموم مردم امکان دسترسی آسانی به اطلاعات دارند - نشان می دهد که بالای ۲۵ درصد از کسانی که در مصاحبه شرکت داشته اند، از جمله تعدادی زن تحصیل کرده از قرص استفاده می کنند. فراتر از کمبود اطلاعات علل چنین رفتاری مختلف می باشد و از امید به کاهش امکان عوارض جانبی تا تلاش برای امتداد مدت زمان استفاده از قرص را دربرمی گیرد.

چند مطالعه عمده نشان داده که عقیم ساختن می تواند یک روش جلوگیری کارآمد در بارداری باشد، اما با این حال دولت هیچ تلاشی برای ترویج آن صورت نمی دهد. اگرچه هم سابقه موضوع و هم آمارهای دولتی نشان می دهد که مردان نقش تعیین کننده ای در جلوگیری از بارداری ایفا می کنند؛ اما امروزه زنان هدف اولیه تبلیغات برنامه سامان دهی به خانواده می باشند. پیام مشترک آن است که اگر چه تنظیم خانواده باید یک تصمیم مشترک میان زن و شوهر باشد، اما این زن است که باید اقدامات عمده را انجام دهد. این به معنای آن است که حکومت نه به مردان بلکه به زنان، در مقام مسئول اولیه در اجرای کنترل موالید نظر دارد. جمهوری اسلامی با داشتن سنت غنی اسلامی در تنظیم خانواده، از اهداف و راهبردهای غربی برای حل مشکل فعلی خود در عصر حاضر [هم] بهره برده است.

سابقه ایران در تنظیم خانواده نشان دهنده تضادهای دیگری است که توفیقات آن را تحت شعاع قرار می دهد. برخلاف وجود حمله هماهنگ به فردگرایی [غربی] در برنامه های سالانه مدارس، فیلمها و نمایشهای تلویزیونی و برنامه های رادیویی و هدف آشکار [حکومت] در تعمیق فرهنگ مبتنی بر تأیید وابستگی درونی میان خانواده و اقوام و میان همسایگان و جامعه، برنامه های جمعیتی اختصاصا متوجه زنان است. اما با این وصف تصمیمات زنان به میزان زیادی متأثر از شبکه ارتباطی [قوم و خویشی] مخصوصا مادر و مادر شوهر است. ترس از سرزنش [زنان] جامعه به ویژه در جمعیت های کوچک، عامل اصلی بازدارنده در استفاده از [ابزارهای] ضدبارداری است. به عبارت دیگر افزایش تأثیر برنامه تنظیم خانواده با تأمین حمایت های زنان، امکان پذیری بیشتری خواهد داشت.

#### د - وضعیت زنان

[ با تمام این تفصیلات ] سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در حد کوشش برای معکوس کردن میزان بسیار بالای نرخ رشد جمعیت، توفیق آمیز بوده است. با توجه به تأثیرگذاری عواملی از قبیل جنگ ایران و عراق و وضعیت عمومی اقتصاد، مرگ و میر کودکان و میزان رشد جمعیت افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده بود، بنابراین دولت در سال ۱۹۹۱ یکی از اهداف خود را کاهش نرخ نهایی تعداد فرزند به ۳/۵ نفر برای هر خانواده و کاهش زاد و ولد به ۲/۲ درصد و افزایش نسبت زنان شوهردار استفاده کننده از وسایل ضدبارداری به ۴۴ درصد اعلام داشت. (۶) کامیابی این سیاست در پنج سال اول، برخی مقامات رسمی را بر آن داشت تا دستیابی به نرخ نهایی ۳/۵ درصدی برای باروری را در سال ۲۰۰۱ پیش‌بینی کنند.

دولت واقف است که این امر نه تنها به مراقبت و اجرای برنامه، بلکه به هماهنگی تغییرات گسترده اجتماعی و قانونی بستگی دارد. برای رسیدن به این مرحله تأکید بر آموزش بیشتر زنان، توسعه بهداشت و بالا بردن ضریب امنیت اجتماعی - اقتصادی تمام شهروندان ضروری می‌باشد.

وضعیت زنان در نخستین مرحله انقلاب به نظر می‌رسید منجر به زوال اصلاحات اولیه خواهد شد. فشارهای زنان اسلام‌گرای فعال و اقتضای توسعه، دولت را وادار به تجدیدنظر در برخی از دیدگاهها و اتخاذ نگرشی انعطاف‌پذیرتر در این زمینه کرد. هم دولت و هم زنان فعال، نوآوریهای شایان توجهی را در کوشش برای نوسازی آموزه‌های اسلامی نشان داده‌اند. راه‌کارهای عملی حکومت به ویژه از سال ۱۹۸۹ مکرراً میان تحصیلات زنان و ایجاد یک جامعه اسلامی که در آن جنایتهای ضدزن وجود نداشته باشد، پیوند برقرار کرده است. دختر آیت‌الله خمینی (ره) دارای مدرک دکتری است و در این خصوص که رهبر کبیر انقلاب مدافع نیرومند تحصیلات زنان بود سندی زنده به شمار می‌رود.

جمهوری اسلامی به منظور تنفیذ ایدئولوژی خود، تأکید زیادی بر اصلاح نظام آموزشی روا داشته و بخش سنگینی از هزینه‌های دولت یعنی حدود ۲۱/۹ درصد از بودجه سال ۱۹۸۹ را بدان اختصاص داده است. اگرچه شکاف میان سواد زنان و مردان همچنان قابل ملاحظه است، اما نسبت به دوران پیش از انقلاب با شتاب بسیار کمتری در حال فعالیت بوده است. در سال ۱۹۸۸، ۷۴ درصد دانش‌آموختگان را زنان تشکیل می‌دادند که این بازگشتی به منحنی سالهای پیش از انقلاب است.

(۷)

در این بین، بسیاری از دانشگاهها موانعی را که در برخی رشته‌ها، مخصوصاً حقوق و رشته‌های فنی برای زنان ایجاد کرده بودند، از سر راه برداشتند. اگر چه این پیشرفت‌ها در چارچوبه نگرش اسلامی جامعه شکل گرفت، اما آمارهای رسمی حکایت از وجود یک خواسته گسترده در میان زنان کارگر و سایر مشاغل برای پاسخ به نیازهای جمعیتی زنان دارد. [دانشکده] پزشکی، یعنی مشهورترین دانشکده‌های ایران بر روی زنان بیشتری باز شده و پذیرش زنان در رشته‌های مختلف پزشکی همسطح مردان است.

در حالیکه نرخ سواد و تحصیل در حال افزایش است، ارزشهای تبلیغی حکومت در محتوای دروس نیز تصویری تازه از زنان را تبلیغ می‌کند که چیزی بیش از داشتن یک زندگی معمولی و سنتی است. (۸) علت این ادعا آن است که رهبران دینی با وجود ترغیب زنان به مشارکت در انقلاب و حمایت از حکومت، عالی‌ترین نقش زنان را همان خانه‌داری می‌دانند. این نگرش در تضاد با نقش عمومی زنان، خود را در قوانین، از جمله قانون اساسی نشان می‌دهد. (۹)

حکومت، راهبردهای زیادی را برای کاهش استخدام زنان از جمله بازنشستگی [زود هنگام] زنان پس از ۲۵ سال کار، استعفا یا انتقال حقوق و دستمزد آنها به همسرانشان و یا داشتن فقط کار پاره‌وقت، به کار بسته است. (۱۰) چنین برنامه‌هایی ظاهراً با هدف آسان کردن زندگی زنان و دادن فرصت به آنها به منظور پرداختن به مسؤولیتهای خانه‌داری بوده است. پیامد این برنامه، کاهش استخدام زنان در بخش عمومی به ۲ درصد در سال بوده است. برنامه نظام‌مند حکومت برای به حداقل رساندن استخدام زنان و کاهش قابلیت آنها در نظام دیوان‌سالاری، انتقاد اساسی زنان اسلام‌گرا در درون و برون حوزه حکومت را برانگیخته است. اگرچه زنان شاغل در بخش عمومی، عملکرد نسبتاً بهتری از مردان داشته‌اند، ولی تنها ۳ درصد از پستهای رده بالای دولتی را در دست دارند. (۱۱) در مجموع آنها این وضعیت را نپذیرفته‌اند و با حکومت در حیطه‌های زیادی دچار مشکل هستند.

#### ه- نشانه‌های تضاد

رهبران انقلابی ایران در ابتدای پیروزی انقلاب و پس از به دست گرفتن حکومت، با توجه به مقتضیات خاص آن دوره، پیروزی خود را بر ایدئولوژی پهلوی با لغو قانون خانواده‌ای که حق مردان را در خصوص تعدد زوجات محدود و در برخی شرایط به زن حق طلاق داده بود، اثبات کردند.

[ در این میان] ازدواج موقت که غیرقانونی بود، (اگرچه در درون کردهای سنتی وجود داشت) مجدداً قانونمند شد، و سن نه سالگی برای بلوغ و ازدواج مورد تأکید قرار گرفت. حکومت با مسلک حمایت از فرزند بیشتر، ازدواج را مهمترین عامل ریشه‌کن کردن بیماریهای اجتماعی می‌دانست. ازدواج و مزایای آن نه تنها تبدیل به موضوع اصلی سخنرانیهای رسمی [مقامات] شده بود، بلکه دولت "بنیاد ازدواج"<sup>۱</sup> را برای کمک به ازدواج مردان و زنان در قالب یک قانون محدود اسلامی تأسیس نموده و برخی کمکهای مالی هم به این خانواده‌های نوپا اعطا کرد.

در هر حال در طول سالهای پس از انقلاب، روزنامه‌ها، مجلات و گاه رادیوی رسمی شروع به نشر و پخش گزارش از مردانی کردند که با سوءاستفاده از حق طلاق، زنان خود را پس از سالها زندگی بدون تأمین اجتماعی، پس از سپری شدن سه ماه عده آنها، رها کرده‌اند. حکایت‌هایی نیز از ازدواجهای سن پایین و خطرات بهداشتی برای عروسهای جوان بر سر زبانها افتاد. مدیران زن فعال و زنان نماینده مجلس شورای اسلامی پرسشهایی را درباره معنای عدالت اسلامی برای زنان طرح می‌کردند. آنان خواستار قوانینی بودند که جلوی بعضی از مردان یا کسانی را که فهمشان از اسلام جای بحث دارد، سد کند و از اعمال بی‌عدالتی و بدبختی به نام اسلام ممانعت به عمل آورد.

نتیجه آن شد که [امام] خمینی قانون جدید خانواده را اعلام داشت جدید یکی از مترقی‌ترین قوانین ازدواج در خاورمیانه (پس از تونس و ترکیه) آن هم بدون عقب‌نشینی از اصول عمده مکتب اسلام، به شمار می‌رود. مکاتب اسلامی به ویژه شیعه به زنان حق شرط ضمن عقد را در ازدواج داده است. اما در عمل بحث از این مسائل به هنگام نامزدی که طرفین اعلام می‌دارند با هم زندگی خوشبختی خواهند داشت، چندان کارساز نیست. معیار پیوند زناشویی در قانون جدید [سندی] بالغ بر یازده ماده است؛ دو تا از مهمترین آنها این است که [اولاً] اگر شوهر بدون رضایت زن، ازدواج دومی بنماید، زن اول حق طلاق دارد و [دوم] این که ثروت به دست آمده در طول زندگی مشترک به هنگام طلاق به طور مساوی میان زن و شوهر تقسیم می‌گردد. در مراسم خواستگاری، برخی تعهدات متوجه داماد و خانواده وی می‌گردد، به گونه‌ای که خانواده عروس را در تعیین شرایطی مثل حق ادامه تحصیل یا کار بیرون از خانه، یاری می‌رساند.

۱- درباره وجود چنین بنیادی در جمهوری اسلامی ایران و عملکرد آن سند رسمی ای در دست نمی باشد و معلوم نیست که نویسنده براساس چه مدارکی، به وجود چنین نهادی استناد جسته است. (م)

این پیروزی حاشیه‌ای زنان، مسیر تازه‌ای در روند گفتگوهای بعدی ایجاد کرد. این زنان تفسیرهایی زنانه از قوانین اسلامی مطرح کرده‌اند که تفاسیر مردسالارانه را به مبارزه خوانده است. آخرین موضوع مورد بحث توفیق [زنان] در کسب دستمزد برای فعالیت خانه‌داری است. این قانون به دفاع از زنانی می‌پردازد که پیش از تصویب قانون جدید که معطوف به گذشته نیست، ازدواج کرده باشند. زمان پرداخت دستمزد خانه‌داری، از هنگام ازدواج تا هنگام طلاق یا هر وقت که زن تقاضا کند، می‌باشد. زنان فعال در این خصوص ادعا می‌کنند که اسلام زنان را مجبور به کار در خانه شوهر نمی‌کند، حتی تا این حد که شوهر به پرداخت دستمزد به زن برای تر و خشک کردن بیچه ملتزم است. این قانون بحث‌انگیز در دسامبر ۱۹۹۲ تصویب گردید و با وجود مشکلات شدید، گویای این بود که حکومت پاسخ‌گوی خواسته‌های زنان است.

این دستاوردهای قانونی به سادگی قابل اجرا نیست و مردان هنوز هم قدرت اصلی را در دست دارند. بنابراین زنان فعال در تلاش برای تصویب قوانینی خاص مربوط به تعدد زوجات، حضانت فرزندان و ناشزگی می‌باشند. روزنامه‌های عمده و نشریات خاص زنان بر این موضوعات پرسش وارد ساخته و برخی از رهبران دینی نیز آن را پذیرفته‌اند. زنان ناظر و فعال در این مسائل، تدابیری مثل تأسیس مرکز امور زنان زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور، ایجاد دفتر حقوقی خاص زنان در مجلس شورای اسلامی و ایجاد منصب مشاور قضایی زنان در مورد طلاق و حضانت فرزندان به منظور گرفتن امتیازاتی به کار بسته‌اند. (۱۳)

## و - فرصتهای زنان

در بستری حقوقی، اجتماعی و اقتصادی است که زنان در مورد ابعاد خانواده خود تصمیم می‌گیرند. هم ازدواج و هم تأمین مالی عوامل مهمی هستند که بر ارزیابی زنان از شرایط خود تأثیر گذارند. زنان با توجه به این که عمدتاً چندسال جوانتر از شوهرانشان هستند، بسیار محتمل است که پس از نیمه دوم زندگی خود [بر اثر مرگ شوهر] بیوه شوند. ۸۴ درصد از همسران تنها مانده، زن هستند. فرصتهای زنان در کسب و کار پیش از این زمان، درخصوص پرداخت کمتر از هم مردان بود که از زمان انقلاب کاهش یافته است. بنابراین زنان امیدوارند برای تأمین مسائل مالی خویش، فرزند پسر داشته باشند.

در کل زنان برای داشتن پسر، خانواده را گسترش داده و با آوردن بچه‌های بیشتر، تعداد دختران را هم افزایش می‌دهند.

زنان بسیاری به تحلیل برنامه‌های کنترل موالید و نقش زنان در آن پرداخته‌اند. آنها آشکارا از تغییر در قوانین و رفتار و مرام دولت، در جهت تعدد زوجات و ازدواج موقت انتقاد می‌کنند. روشن نیست که چه درصدی از مردان واقعا به تعدد زوجات اقدام کرده‌اند، زیرا شمار بسیاری از این موارد در جایی ثبت نمی‌شوند؛ تمام افراد مورد مصاحبه ما - زن یا مرد - گمان بر این دارند که تعدد زوجات افزایش داشته است. چنین باورداشتی، راهبردهای زایمان زنان را قویا تحت شعاع قرار داده و آنها را به انتخاب خانواده‌های بزرگتر [ و در نتیجه به دنیا آوردن بچه‌های بیشتر] به منظور استحکام بخشیدن به پیوند ازدواج ترغیب می‌کند. حکومت برای این که بتواند انتخاب زن در مورد اندازه خانواده [ یعنی تعداد فرزندان] را با انتظارات و اهداف خود به یک نقطه مشترک برساند، نیاز به حل این مشکل دارد؛ اصلاحاتی که به زنان حق طلاق - در صورتی که شوهر زن دوم بگیرد - بدهد. با وجود اهمیت ایدئولوژیک این مسأله، زمانی که فرصتهای زنان در منافع ازدواج دوم ناچیز باشد، آثار عملی اندکی وجود خواهد داشت.

ترس از دست دادن بچه‌ها، به ویژه از آن روی که تمام شعارها و ارزشهای حکومت، نقش مادری زنان را مهمترین عنصر زندگی آنها برمی‌شمارند، یک تهدید دائمی به شمار می‌رود. در مورد ۶۵ درصد از تمام طلاقهایی که در مصاحبه‌های ما آمده است، پدران حضانت بچه‌های طلاق را عهده‌دار شده‌اند. پدران مجرد پس از متارکه، اغلب فرزندان را به پدر و مادر خود، یا زنان وابسته نسبی خود می‌دهند تا مراقبت آنها را برعهده گیرند؛ در این میان مادران بچه‌ها از حق حضانت محروم می‌شوند. راه حل این تهدید از دیدگاه تمامی زنان مورد مصاحبه ما، این بود که آنها مجبورند بچه‌های بیشتری بیاورند تا مادرشوهر، خواهر شوهر یا نامادری عملا قادر به نگهداری فرزندان نباشند [و در نتیجه شوهر به عدم طلاق مجبور شود]. همچنین بسیاری از زنان به تحمل مشکلات روی می‌آورند تا از این رهگذر در کنار بچه‌های خود باشند. بنابراین پرواضح است که زنان، آشکارا در کار تنظیم خانواده و استفاده از وسایل ضدبارداری هستند، اما ارزیابی آنان از خانواده مطلوب همواره با آن چه مردان می‌خواهند، یکسان نیست.

توسعه سیاست جمعیتی در ایران، گویای آن است که جمهوری اسلامی برخلاف تصور رایج از آن در غرب، سازگاری و انعطاف زیادی در برابر واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی نسبتاً خشن، از خود نشان داده است. این سیاست حکایت از این هشجاری ظریف دارد که ایجاد وفاق جمعی گسترده و غیررسمی یکی از مهمترین عناصر کامیابی هر برنامه توسعه به خصوص در مواردی که ابعاد معنادار و روزانه زندگی مردم را مدنظر دارد، می‌باشد. حکومت اسلامی برخلاف نظام شاهنشاهی، رابطه‌ای بنیادین میان خواست جمعیت و جامعه انسانی را مردمی کرده است.

مناقشه برانگیزترین بخش سیاست جمعیتی ایران، پیوستگی نزدیک وضعیت اقتصادی، اجتماعی زنان و مسأله بچه‌داری است؛ در حالی که دولت همواره تحصیلات زنان را ترویج کرده است، سایر نیازمندیها مثل بازار کار و وضعیت مشارکت [زنان] با دیدگاه موجود (در مورد نقش زنان) متضاد می‌باشد.

مخالفت شدید میان تفسیر مردسالار و تفسیر زنانه از حقوق زن، ممیزه اصلی آخرین دهه کشمکش و بحث بر سر درخواستهای سیاسی زنان بوده است. شاید تصویری از یک فمینیسم عمل‌گرا در سنت اسلامی بتواند به بهترین وجه، بیانگر مغز کلام در این ستیزه‌ها باشد. امتیاز فمینیستهای اسلام‌گرای جدید، فراتر از فعالان زن غربی سکولار، این است که آنان برای دستیابی به حقوق‌شان به اصلاح از درون، به جای جایگزین کردن الگوهای غربی از روابط زن و مرد، پرداخته‌اند. اقدام آنها عمدتاً در جهت متحول ساختن آگاهیهای زنانه برای تمیز میان سنت مردسالاری و اسلام بوده است. (۱۳) بحثهای مزبور، این مسأله را روشن کرده است که موضوعاتی که با حقوق زنان و مسؤولیت‌های آنها در ستیزند، اهداف برنامه تنظیم خانواده‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهد. اشتیاق به موفقیت سیاست جمعیتی و آگاهی از اهمیت بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی زنان، در این باره به ایجاد تلاش کمک‌ساز و میانجی‌گرانه در برخی از تقاضاهای زنان اسلام‌گرا انجامیده است. تا آنجا که بعضی از رهبران مذهبی، هم برخی از تفسیرهای زنانه [از اسلام] را پذیرفته‌اند. در هر حال از فشارهای اقتصادی و بیکاری، نشانه‌چندانی دال بر این که حکومت (سطح) مشارکت زنان در بازار کار را بالا خواهد برد، به چشم نمی‌خورد. این مشکل هم به قوت باقی است که آیا حکومت در مسأله ازدواج از جهت حقوقی و اجتماعی با هدف تبدیل آن به یک نهاد بیشتر امنیتی - اجتماعی که در خدمت زنان باشد، برای کاستن از سطح زاد و ولد، بازبینی‌ای انجام خواهد داد.

Aghajanian, Akbar, "Population Change in Iran, ۱۹۶۶-۸۶: A (۱)  
Stalled Demographic Transition?" *Population and Development  
Review* ۱۷ (۱۹۹۱): ۷۰۸.

See, Sansarian, Eliz, *The Women's Rights Movement in Iran: (۲)  
Mutiny, Appeasement and Repression from ۱۹۰۰ to Khomeini*, New  
York, Praeger, ۱۹۸۲, p. ۹۶.

- Betteridge, Anne, "The Controversial Vows of Urban Muslim (۳)  
Women in Iran", in: N. A. Falkand R. M. Gross (eds.), *Unspoken  
Worlds: Women's Religious Lives in Non-Western  
Cultures*, New York, Harper and Row, ۱۹۸۰.

See for example, Ayatollah Sane'i in *Zan-e-Ruz* ۱۳۲۹ (۱۳۷۰/۱۹۹۱), (۴)  
pp. ۸-۱۲.

(۵) در زمینه تجمعات معروف به سفره نک:

Malek Afzali, Hossein, *Vaziet-e-salamat-e-madaran va kudakan dar  
jumhuriyyeh islamiyyehiran* (The health status of mothers and  
children in the Islamic Republic of Iran), Tehran, Ministry of Public  
Health, ۱۳۷۰/۱۹۹۲, pp. ۱۹-۲۰.

*Ibid.*, p. ۶۲. (۶)

Mehran, Golnar, "The Creation of the New Muslim Woman: (۷)  
Female Education in the Islamic Republic of Iran," *Convergence* ۲۳  
(November ۴, ۱۹۹۱): ۴۷.

See: *Payam-e-Zan* ۲, no. ۴ (۱۳۷۲/۱۹۹۳): ۱۶-۱۷. (۸)

(۹) در این باره به ماده ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراجعه کنید.

See, Moghadam, Valentine, *Modernizing Women: Gender and Social Change in the Middle East*, Boulder, Colo.: Lynne Rienner, ۱۹۹۳. (۱۰)

See, Sharify, Feirozeh, "Mughayat-e-zan dar nizam-e-idariy-e-iran", *Women in the employmentstructure of Iran*, *Zanan* ۱, no. ۲ (۱۳۷۰/۱۹۹۲), pp.۴-۹. (۱۱)

Talaghani, Azam, *Personal Communication*, January ۱۹۹۳. (۱۲)

Obermeyer, Carla Makhlof, *Personal Communication*, February ۱۹۹۴. (۱۳)